

نقش شاخص‌های تربیت دینی آیات امامت بر شکل‌گیری جامعه آرمانی اسلامی

خدیدجه ضیایی^۱

چکیده

در وصف بعثت پیامبر ﷺ و نصب امامان معصوم علیهم‌السلام هدیه‌ای الهی است آیتی در قرآن آمده است که در صورت الگوگیری بشر از آنها آرزوی دیرینه او یعنی، تشکیل جامعه آرمانی اسلامی با هدف ایجاد فرصت برای دستیابی به هدف اصلی خلقت که در گرو معرفت الهی است محقق خواهد شد. نوشتار حاضر باروش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از تفاسیر و منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که شاخه‌های تربیتی آیات مربوط به امامت در تحقق جامعه مورد انتظار اسلامی چگونه منشأ اثر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد باتوجه به شاخص‌های تربیتی آیات امامت که ناظر به خود مقام امامت و هدایتگری انسان است، مردم و مسئولان جوامع اسلامی باید با داشتن روحیه ولایت‌پذیری و اطاعت از امام در رشد معنوی و مادی افراد جامعه تلاش کنند.

واژگان کلیدی: امامت، تربیت، تربیت دینی، جامعه آرمانی، آیات امامت، جامعه اسلامی.

۱. مقدمه

آموزه‌های منبع وحی الهی و سیره امامان معصوم علیهم‌السلام برنامه‌های جامع و کاملی هستند که انسان را به مسیر مستقیم هدایت می‌کنند. باتوجه به پیش‌فرض پژوهش حاضر که شکل‌گیری

۱. مربی گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی علیه‌السلام العالمیه، قم، ایران.

جامعه آرمانی اسلامی را در الگوگیری از شاخص های تربیتی آیات مربوط به امامت محقق می‌داند، باید دانست که امامان معصوم علیهم‌السلام در طول تاریخ و در پرتو آموزه‌های وحیانی به دنبال برنامه‌هایی برای چگونگی اداره جامعه به صورت مطلوب، سامان‌دهی مجموعه‌ها و نهادهای آن، بیان وظایف افراد جامعه و رشد فکری، علمی و معنوی و... بوده‌اند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. بنابراین، امکان ایجاد جامعه آرمانی اسلامی که از آمال و کمال مطلوب بشر بوده و هست، امری حقیقی و دست‌افتنی است. با توجه به اینکه در طول تاریخ، بشر همواره با سوءاختیار خود، تشکیل چنین جامعه‌ای را به تعویق انداخته است براساس آموزه‌های حیات‌بخش قرآن، تشکیل چنین جامعه‌ای تنها به دست افرادی ممکن است که معصوم و منصوب پروردگار بوده، علم او نشأت‌گرفته و متصل به علم الهی باشد و مقام او در رأس هرم جامعه اسلامی بوده باشد. این امام است که علاوه بر هدایت تشریحی و ارائه راه، هدایت تکوینی و باطنی نیز دارد. این شأن از شئون امام نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری جامعه آرمانی اسلامی ایفا می‌کند؛ جامعه‌ای که حیات طیبه براساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در آن جریان خواهد داشت. بنابراین، الگوگیری از شاخص های تربیتی آیات مربوط به امامت می‌تواند راهگشای مهمی در شکل‌دهی جامعه آرمانی اسلامی باشد. اهمیت این موضوع به حدی است که پژوهش‌ها و تألیفات ارزشمندی در زمینه جامعه آرمانی صورت گرفته است مانند کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن نوشته آیت‌الله مصباح یزدی که به قانونمندی جامعه آرمانی اسلامی و اجرای سنت‌های الهی در آن اشاره شده است. نوشته حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع دینی به چگونگی منشأ اثر بودن آیات مربوط به امامت در اعتلای جامعه آرمانی اسلامی اشاره می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

ریشه این واژه «ا-م-م» به معنای قصد بوده و امام کسی است که همواره مقصود و هدف حرکت و تلاش دیگران قرار می‌گیرد. (فیومی، ۱۴۰۵، ۲۲/۱۲) به تعبیر راغب در مفردات، مراد از امام،

پیشواست. امام کسی است که از وی پیروی و به وی اقتدا شود، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن، حق باشد یا باطل، جمع آن ائمه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ۸۷/۱). در اصطلاح، امام عبارت است از تحقق بخشیدن به اهداف و برنامه‌های دین اعم از حکومت به معنی وسیع کلمه و اجرای حدود و احکام خدا و اجرای عدالت و همچنین تربیت و پرورش نفوس در ظاهر و باطن و این مقام از مقام رسالت و نبوت بالاتر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۷۲/۱-۲۷۵). مقام معظم رهبری در تعریف جامع از امام می‌فرماید: «برخلاف نظر سطحی‌نگر کسانی که امامت را چیزی درقبال خلافت و حکومت پنداشته و آن را صرفاً یک منصب معنوی و روحی و فکری شمرده‌اند، امام در فرهنگ تشیع، رهبر امت است؛ هم در امور دنیایی و نظم و نسق زندگی مردم و اداره سیاسی و اجتماعی جامعه و هم در امور تعلیم و ارشاد معنوی و روحی و گره‌گشایی از مشکلات فکری و تبیین ایدئولوژی اسلام» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۶۴).

۳. شاخص‌های تربیت دینی آیات امامت

۳-۱. شاخص‌های تربیت دینی ناظر به مقام امامت

امام بما هو امام، امتیازات منحصر به فرد تربیتی دارد که فرد با تبعیت محض از شخص او و آراسته کردن و نزدیک ساختن خود بدین شاخص‌ها از وی الگو می‌گیرد.

۳-۱-۱. ترک گناه

«إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی‌ها را از شما خاندان دور کند و شما را به طهارتی طهارت بخشد». (احزاب: ۳۳)

براساس آیه شریفه، خداوند هرگونه رجس و پلیدی را از اهل بیت علیهم‌السلام دور کرده است؛ زیرا عصمت و طهارت، لازمه شخصیت اهل بیت علیهم‌السلام که الگو و رهبر جامعه اسلامی هستند برای تحقق بخشی به برنامه‌های دینی اعم از حکومت، اجرای حدود و احکام الهی و عدالت و تربیت نفوس، ضروری به نظر می‌رسد. شیعیان اعتقاد به این امر را حجت می‌دانند؛ یعنی معتقدند اگر

بنا باشد امامان معصوم علیهم السلام مرتکب گناه و اشتباه شوند دیگر گفتار و رفتارشان حجت نخواهد بود؛ زیرا صدق رفتار و گفتار آنها زیر سؤال رفته و اعتمادها از بین می‌رود.

۳-۱-۲. صبر

صبر مانند اهرمی است که سنگین‌ترین موانع و بزرگ‌ترین مشکلات را با سهولت و توأم با نتیجه‌گیری صددرصد مثبت، برطرف می‌کند و در هدایت افراد یک جامعه بدبخت، کلید همه خوشبختی‌ها و سپیدبختی‌هاست. بنابراین، امکان ندارد که امام، جوامع گسترده و پیچیده بشری که با انواع تضاد منافع اشخاص و گروه‌ها مواجه هستند را بدون صبر، هدایت و رهبری کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر کنید و صابر باشید و ارتباطاتتان را تقویت کنید و تقوای الهی پیشه کنید امید است به رستگاری برسید» (آل عمران: ۲۰۰).

۳-۱-۳. یقین

براساس آیه «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ؛ و کسانی که به آنچه به تو نازل شده و آنچه به پیامبران قبل او و به آخرت ایمان دارند». (بقره: ۴) یقین، مرتبه عالی دارد و خدای متعال آن را در دل مؤمنین قرار داده است. از آنجاکه امام مصداق این آیه برشمرده می‌شود، مقام یقین را دارد؛ زیرا اگر امام این صفت را نداشت و شک بر وجود او مستولی می‌شد، اهداف عالی الهی در نظرش نامفهوم و مبهم نمود می‌کرد و هدف مبهم، حرکت مستقیم و صحیح و مستمری به دنبال نداشت.

۳-۱-۴. علم

علم امام وابسته به علم الهی است، پس هیچ‌کس هم‌تراز امام در ایجاد و تداوم جامعه اسلامی که همواره نیازمند علم و حکمت است، نیست: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ پس از اهل ذکر بپرسید اگر نمی‌دانید» (انبیاء: ۷).

۳-۱-۵. ولایت الهی

امام فردی است که خود را زیر ولایت الله قرار می دهد: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آگاه باشید که همانا اولیای الهی نه ترسی دارند و نه ایشان محزون می شوند» (یونس: ۶۲) و درمقابل، خداوند هم ولایت او را به عهده می گیرد: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا؛ خداوند، ولی کسانی است که ایمان دارند» (بقره: ۲۵۷). این آیه نشان می دهد هر انسانی که ولایت الهی دارد اگر اراده کند و بخواهد خوب باشد، می تواند بهترین بنده برای پروردگارش باشد. درحالی که این مسئله در مورد انسانی که ولایت الهی ندارد، ولی می خواهد بنده خوب خدا باشد قابل تحقق نخواهد بود.

۳-۱-۶. صبر در برابر ابتلا

از آیه «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ و زمانی که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی» (بقره: ۱۲۴) چنین به دست می آید که هر که به مقام امامت دست یابد به مراتب عالی صبر نیز دست یافته است و این صبر هم در برابر انواع ابتلائات و دشواری ها بوده تا بتواند تحقق تربیت اسلامی را جامه عمل بپوشاند و هم انسان در مواردی که ایستادگی کرده و از خود صبر و مقاومت نشان داده است پیروز قطعی میدان بوده است.

۳-۱-۷. عدم توجه به خواسته های نفسانی

از مصادیق بارز عدم توجه به خواسته های نفسانی، آیه «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا» است (انسان: ۸) و نیز از مصادیق کسانی که جان شیرین خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشند، آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ؛ از میان مردم، کسانی هستند که نفس های خود را برای دستیابی به رضای الهی معامله کردند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است» (بقره: ۲۰۷) است. هر دو آیه به ویژگی های امام اشاره کرده اند. بسیاری از انحرافات و کاستی ها در رابطه با این دشمن درونی است که امامان معصوم علیهم السلام به واسطه سلاح ایمان با آن مبارزه کرده و در صحنه های سخت زندگی شان پیروز بیرون آمدند.

۳-۱-۸. ایثار

از صفات امام معصوم از خودگذشتگی قبل از درخواست فرد محتاج است و اینکه به تعبیر قرآن، هرچند خود نیازمند هستند، اما دیگران را بر خود مقدم دانسته و ایثار می‌کنند: «وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و کسانی قبل از مهاجران مکه در سرای هجرت و ایمان یعنی، مدینه ساکن بوده‌اند. آنان هرکه را به سویشان هجرت کرده است، دوست دارند و به غنائمی که به مهاجران داده شده از ته دلشان هیچ نظری ندارند و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند هرچند خودشان نیازمند باشند. بله، چنین کسانی که از خودخواهی و تنگ‌نظری در امان هستند، خوشبخت‌اند» (حشر: ۹). ایثار و گذشت، نمادی اخلاقی در دین اسلام است که در بسیاری از امتحانات الهی مطرح می‌شود. اگر انسان بتواند با این ابزار اخلاقی از امتحانات خود سربلند بیرون آید بر هوای نفس خود غلبه کرده و به سرمنزل مقصود می‌رسد.

۳-۲. شاخص‌های تربیت دینی ناظر به هدایت انسان

۳-۲-۱. هدایتگری علمی

در آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد: ۶) امام که همان صراط مستقیم است، باعث هدایت همه‌جانبه انسان از جمله هدایت علمی می‌شود؛ زیرا امام، علمش وابسته به علم الهی است و بالا بردن معرفت، هدایت تحقق پیدا می‌کند. امیرالمؤمنین ع فرمود: «يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القران اذا عطفوا القران على الرأى» (سیدرضی، ۱۳۷۹). مقام عظمای رهبری نیز به همین موضوع اشاره کرده که دانشگاه اگر اسلامی باشد، خواهد توانست بار علمی و اداری جامعه را به سمت استقلال و آزادی و سربلندی کشور بردوش بکشد و پایه‌ای برای رشد و تعالی علمی و سیاسی در آینده باشد و اگر اسلامی نباشد به همان بلیه‌ای دچار خواهد شد که در ده‌ها سال حاکمیت رژیم گذشته به آن مبتلا

شده بود؛ یعنی سقوط علمی، اخلاقی و ناتوانی از برآوردن نیازهای ملتی که اراده کرده و عقب ماندگی و وضعی را که بر او تحمیل شده است را با عزم و ایمان انقلابی خود جبران کند.

۳-۲-۲. زمینه سازی فیض الهی

در آیه شریفه «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال: ۳۳) اسلام شیوه و نسخه امامت را به انسان عرضه می کند؛ یعنی اینکه یک انسان می تواند هم دلش را از فیوضات هدایت الهی سرشار سازد، معارف دینی را بشناسد و بفهمد و هم قدرت عملکرد داشته باشد؛ «یا یحیی خذ الكتاب بقوة» (مریم: ۱۲) و هم خواسته ها و زندگی شخصی برایش اهمیت نداشته باشد، بلکه جان و زندگی و سعادت دیگران برای او همه چیز باشد. حضرت علی علیه السلام در زمان حکومت خود این مسئله را در عمل نشان داد.

۳-۲-۳. سیاست و حکومت

امام خمینی؟ زه؟ نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. رشد و رفاه افراد درون حکومت به دولت و سیاست های آن بستگی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله تحت تعلیم و تأدیب الهی و تأیید و تسدید فرشتگان قرار گرفت، زمام امور جامعه به وی و جانشینان او سپرده شد تا سیاستمدار و گرداننده آن شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۵۲/۱)، پس آنها محور تمام کارهای صحیح بشر هستند؛ «بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ؛ باقی گذاشته شده خدا برای شما بهتر است و من محافظت کننده شما [مجبورکننده به امری] نیستم» (هود: ۸۶). درمقابل، امت مأمور شدند تا با اطاعت از دستورهایی او به مقصد برسند. امام رضا علیه السلام درباره مدیریت امام می فرماید: «امامت، زمام دین و باعث نظم مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. امامت پایه بالنده اسلام و شاخه و نتیجه والای آن است، توسط امام است که نماز و زکات و روزه و حج و جهاد به کمال خود می رسد و فیء و صدقات وفور می یابد و حدود و احکام جاری می گردد و مرزها حفظ و حراست می شود. امام حلال خدا حلال و حرام خدا را حرام می کند و حدود او را جاری می کند و از دین خدا دفاع نموده با حکمت و موعظه نیکو و

دلیل قاطع، مردم را به راه پروردگارش فرامی خواند. امام امین در زمین و حجت او بر بندگان است. او خلیفه خدا در کشور اوست. امام دعوت کننده مردم به سوی خدا و مدافع حرمت های الهی است» (صدوق، ۱۳۷۲، ۴۵۲/۱).

۳-۲-۴. هدایتگر دینی و دفاع از دین باوران

امامان معصوم علیهم السلام که جانشینان برحق پیامبر صلی الله علیه و آله هستند با حکمت، موعظه و جدال احسن به هدایت خلق پرداخته اند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ به راه پروردگارت دعوت کن با دانش و موعظه حسنه و با آنها گفت و گو و بحث کن به آن روشی که بهتر است. همانا پروردگار تو داناتر است نسبت به کسی که از راه منحرف شده و او داناتر است نسبت به هدایت یافتگان» (نحل: ۱۲۵). این گونه است که دین باوران به عمق معارف الهی پی می برند و پاسخ پرسش های خود را می یابند؛ زیرا می دانند که جز امام علیهم السلام که علم الهی دارد و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله است هیچ فردی شایسته مقام هدایت دینی نیست.

۳-۲-۵. هدایت به امر الهی

خداوند متعال نوعی از هدایت را برای انسان تکامل گرای هر عصری قرار داده است. این انسان، شخصی است که مظهر تام اسمای حسنای الهی شده، راهگشا و هادی دیگران می شود که هدایت او نسبت به دیگران بر مدار اراده و امر خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۰). «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ؛ و ایشان را پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می کنند و به سوی آنها وحی کریم انجام امور خیر را و اقامه نماز و دادن زکات را و ایشان برای ما عبادت کنندگانند» (انبیاء: ۷۳). در منابع دینی و سخنان بزرگان دین آمده است که اگر انسان به مسئولیت خود عمل نکند، خدای متعال با او برخورد می کند: «فَطَلَّنْ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ؛ پس گمان برد که بر او سخت نمی گیریم»

(انبیاء: ۷۸). حال آنکه هرچه معرفت و رتبه معنوی انسان بالاتر باشد در درگاه عدل الهی و در محضر حق، توقع از وی بیشتر و بالاتر خواهد بود.

۳-۲-۶. هدایت به سوی اتحاد و همبستگی

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و به ریسمان الهی همگی چنگ بزنید و متفرق نشوید». (آل عمران: ۱۰۳) از مصادیق «حَبْلِ اللَّهِ» امامان معصوم علیهم السلام هستند. در اسلام، وحدت باید تنها حول ریسمان الهی باشد و به فرموده قرآن به صورتی باید بدان چنگ زد و متمسک شود که حتی برای یک لحظه این ریسمان را رها نکرد و از حول آن متفرق نشد. وحدت و در یک جبهه قرار گرفتن نیروهای مسلمان، رمز سعادت و مایه سرفرازی مسلمانان و عظیم‌ترین حربه ملت‌های اسلامی در مقابل استکبار جهانی است که باید مغتنم شمرده شود.

۳-۲-۷. اصلاح جهانی

اصلاح انسان از وظایف بارز انبیای الهی و جانشینان آنهاست: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ؛ ای پیامبر با کفار و منافقین جهاد کنید و بر آنها سخت بگیر» (توبه: ۷۳). امام، ادامه‌دهنده راه انبیای الهی عدالت را به جای ظلم می‌نشانند و نظام‌های سلطه، عوامل تفرقه‌افکن، نژادپرستی، امتیازخواهی، فقر، فساد و تبعیض را برمی‌کند و برابری و برادری را در جامعه حکم فرما می‌کند (طبری، ۱۴۱۳، ۱/۴۳۶). امیرالمؤمنین علیه السلام صلابت و شدت در برابر هر حرکت نابه‌حق، ظلم، ظالم، انحراف از راه خدا و طغیانگری در برابر اغواگری را داشت.

۴. جامعه آرمانی اسلامی

جامعه مبتنی بر اسلام، جهان‌بینی و ایدئولوژی خاصی دارد که قرآن، برنامه‌ای جامع برای رسیدن به زندگی و حیات طیبه (ر.ک.، آل عمران: ۵۱) به واسطه پیامبران و رسولان (ر.ک.، آل عمران: ۳۳) که وظیفه آنها انذار و تبشیر، تفسیر قرآن، تعلیم دین به مردم و تزکیه آنهاست (ر.ک.، بقره: ۱۵۱) عرضه داشته است. این جامعه با دل انسان، با احساسات و عواطف صحیح و سالم است و در آن، کسی به کسی و جامعه‌ای به جوامع دیگر ظلم نمی‌کند. جامعه‌ای است که

در آن، هر عملی با این احساس که «خدا می بیند و مؤاخذه می کند» انجام می پذیرد. جامعه‌ای است که آحادش دچار غفلت و غرق در مادیت و خودخواهی و خودپرستی نیستند و هر کاری تنها برای خدا و برای رسیدن به تقرب به او انجام می گیرد. چنین جامعه‌ای کامل بوده و انسانی که در این جامعه زندگی کند در نیل به کمال، موفق است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئُكُمْ عَلَيْنُكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا؛ اما حق شما بر ما پس نصیحت به شماست و دادن حقوق مالی شما و یاد دادن شماست نسبت به آنچه نمی دانید و تأدیب شما تا بدانید» (سید رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۳۴).

در جامعه مورد توجه اسلام، فرصت برای همه افراد جامعه برای رسیدن به هدف اصلی و نهایی خلقت فراهم می شود. با بررسی آیات قرآن، این نتیجه به دست می آید که هدف اصلی خلقت انسان، کمال حقیقی و آن هم وابسته به معرفت الهی است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا؛ خداوند کسی است که خلق کرد هفت آسمان و از زمین مانند آنها را نازل کرد امر را بین آنها برای اینکه بدانند همانا خداوند بر هر چیزی قادر است و همانا علم خداوند بر هر چیزی احاطه دارد» (طلاق: ۱۲). با تحصیل معرفت الهی به خودی خود، عبودیت نیز حاصل می شود و این دو لازم و ملزوم و علت و معلول یکدیگر هستند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام عَلَىٰ أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ؛ امام حسین علیه السلام در میان یارانش وارد شد، پس فرمود ای مردم، همانا خداوندی که یادش جلال و ابهت دارد خلق نکرد بندگان را مگر برای اینکه بشناسند او را پی اگر شناختند عبادت کردند»^۱ (صدوق، ۱۳۸۰، ۹/۱). اهداف بعثت انبیا که (ر.ک.، حدید: ۲۵) همگی عوامل زمینه ساز کسب معرفت الهی هستند شرایط را برای تحصیل این مهم فراهم می آورند بنابراین، «هدف اصلی و نهایی جامعه اسلامی، استکمال حقیقی انسان هاست که جز بر اثر خداشناسی، خداپرستی، اطاعت کامل و دقیق از اوامر و نواهی الهی، کسب رضای خدای متعالی و تقرب به درگاه او حاصل شدنی نیست» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۶).

پس از بیان هدف اصلی و نهایی جامعه اسلامی، این سؤال مطرح می‌شود که منظور از معرفت الهی و خداشناسی که کمال حقیقی انسان درگرو آن است، چیست. پاسخ این سؤال را امام حسین علیه السلام چنین می‌فرماید: «خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ امام حسین علیه السلام در میان یارانش وارد شد، پس فرمود: ای مردم همانا خداوندی که یادش جلال و ابهت دارد خلق نکرد بندگانش را مگر برای اینکه بشناسند او را، پس اگر شناختند، عبادت کردند، پس وقتی عبادت کردند از بندگی غیر او بی‌نیاز شدند، پس فردی پرسید: ای فرزند رسول خدا پدر و مادرم به فدایت، معرفت الهی چیست، پس [حضرت فرمودند آن] معرفت و شناخت اهل هر زمان نسبت به امامشان است کسی که اطاعت از او واجب است». امام علیه السلام هدف خلقت را معرفت الهی می‌داند و از آن به معرفت امام هر عصر تعبیر می‌کند. توضیح آنکه حیطة ذات الهی منطقه ممنوعی است که پای عقل و کشف و شهود هیچ انسانی به آن نمی‌رسد؛ زیرا موجود محدود، قدرت ادراک و شهود وجود نامحدود را ندارد هرچند که آن موجود انسان کامل باشد، اما صفات فعل خدا این‌گونه نیستند؛ زیرا در رابطه با مخلوقات و آفریده‌های خدا به وجود می‌آیند و چون مخلوق محدود است و آن صفات نیز محدود هستند قابل شناخت و معرفت هستند و در برترین شکل خود در وجود انسان کامل هر عصری نمایان می‌شوند. بنابراین، هرکس خواهان شناخت پروردگار باشد باید به برترین آیت و نشانه او و مظهر صفات فعل او که امام زمان هر عصری است معرفت و شناخت پیدا کند. (کلینی، ۱۳۶۹، ۵۷۹/۴) از این رو امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي» (قمی، ۱۳۶۷، ۳۰۹/۱)؛ زیرا انسان کامل هر عصری آئینه تمام‌نمای خداوند است. او خلیفه الهی و وجه‌الله‌الأعظم روی زمین است. او چشم بینای خدا، زبان گویای او، سبب اتصال آسمان و زمین و مجرای فیض الهی برای تمام مخلوقات است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۲۱۷)، او حجت خداست.

خداوند متعال از ابتدا انسان را برای زندگی در جامعه‌ای با صفات مذکور خلق فرمود و با فرستادن پیامبران و انبیا، راه رسیدن به این جامعه را نیز به آنها نشان داد، ولی مردم با اختیار سوء و نپذیرفتن هدایت تشریحی که ناشی از ضعف در حیطة عقل نظری و عقل عملی آنها بوده، تشکیل این حکومت و جامعه آرمانی را به تعویق انداختند تا اینکه با بعثت آخرین پیامبر و نزول آخرین کتاب آسمانی خداوند، کامل‌ترین برنامه را برای رسیدن به این جامعه ارائه کرد. با رحلت پیامبر ﷺ درهای نبوت برای همیشه بسته شد، اما جهان بشریت از آن به بعد نیز برای فهم و تفسیر صحیح قرآن و عمل بدان به راهنما نیاز خواهد داشت. خداوند در سوره رعد می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ همانا تو اندازنده هستی و برای هر قوم هدایتگری است» (رعد: ۷). روایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۲۷/۱۱) حاکی از آن است که مقام انذار، مخصوص وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ و هدایت بعد از ایشان نیز به عهده امام علی علیه السلام و امامان معصوم از نسل ایشان است: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُنذِرُ وَعَلِيُّ الْهَادِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ مِنْ هَادٍ الْيَوْمَ؟ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا زَالَ مِنْكُمْ هَادٍ مِنْ بَعْدِ هَادٍ حَتَّى دُفِعَتْ إِلَيْكَ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، لَوْ كَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ آيَةٌ عَلَى رَجُلٍ ثُمَّ مَاتَ ذَلِكَ الرَّجُلُ مَاتَتِ الْآيَةُ مَاتَ الْكِتَابُ وَالسُّنَّةُ وَ لَكِنَّهُ حَتَّى يَجْرِيَ فِيْمَنْ بَقِيَ كَمَا جَرَى فِيْمَنْ مَضَى؛ ابوبصیر گوید که آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» را در نزد امام صادق علیه السلام خواندم، پس حضرت فرمود: رسول خدا منذر و علی هادی است. ای ابا محمد آیا امروز هادی وجود دارد؟ یعنی افرادی که با صبر و یقین (سجده: ۲۴) از آزمایش‌های الهی سربلند بیرون آمده‌اند و بدین واسطه مورد اصطفای الهی (نحل: ۱۲۰-۱۲۱) قرار گرفته‌اند و منصوب پروردگار هستند، عصمت دارند (بقره: ۱۲۴) و علم ایشان نشأت گرفته و متصل به علم الهی است (انفال: ۲۴) و خداوند ایشان را مفترض الطاعة (مائده: ۵۵) قرار داده است.»

وجود چنین شخصیتی از بزرگ‌ترین مظاهر لطف، عنایت و رحمت خداوند در امر هدایت تشریحی و تکوینی بشر به سوی سعادت و کمال حقیقی است؛ زیرا انسان به تنهایی و فقط

با کمک نیروی عقل و فطرت نمی‌تواند این مسیر را طی کند و سالم به مقصد برسد. از این رو در هر عصری نیاز به شخصی الهی با ویژگی‌های مذکور دارد تا علاوه بر ارائه راه، دست او را گرفته و ایصال به مطلوب کند. بنابراین، امام هم مثل یک رسول و پیامبر الهی به هدایت (تشریحی) مردم می‌پردازد، اما دلیل برتری مقام امامت آن است که خدای متعال علاوه بر امکان هدایت تشریحی و ارائه راه، مقامی را برای امام جعل کرده که براساس آن می‌تواند در کسوت امر الهی به هدایت باطنی ملکوت افراد مستعد که زمینه خیر و نیکی در آنها فراهم است، بپردازد و آنها را ایصال به مطلوب کند.

۵. تأثیرگذاری شاخص‌های تربیت دینی آیات امامت بر ابعاد مختلف جامعه آرمانی اسلامی

۱-۵. تأثیرگذاری شاخص‌های تربیت دینی بر بعد فردی

مصادیق ذکر شده در این قسمت حاصل تقرب و هدایت الهی فرد به وسیله امام معصوم (ر.ک.، حمد: ۶) و قرار دادن او در قالب محور اصلی و واسطه فیض الهی در زندگی است. (ر.ک.، هود: ۸۶؛ مائده: ۳۵؛ اعراف: ۱۸۰) هرکدام از این مصادیق گام اول در تشکیل جامعه آرمانی اسلامی که تربیت افراد زمینه‌ساز هستند را فراهم می‌کند.

۱-۱-۵. معنویت‌گرایی

از مصادیق مهم آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ؛ به راه پروردگارت با حکمت و موعظه حسنه دعوت کن و جدال احسن با آنها گفت‌وگو کن. همانا پروردگار تو او دانانتر است نسبت به کسی که از راه او منحرف شده است» (نحل: ۱۲۵) امامان معصوم هستند که ایشان برای تقویت روحیه شجاعتشان که لازمه ایثار است، تقویت روحیه معنوی را مورد توجه قرار می‌دهند. مهمترین اثر تربیتی این آیه، تلاش برای بالا بردن بعد معنوی و روحی و ترک گناه است. نگاه اسلام به انسان به گونه ای است که وی برای حل مشکلات نیاز به مجاهدت و مبارزه دارد و این مبارزه و مجاهدت، متوقف است بر نیروی درونی. کسی می‌تواند در میدان مبارزه بایستد که نیروی

درونی ایمان و معنویت را داشته باشد. بنابراین، جامعه‌ای که افراد آن نیروی درونی معنویت را نداشته باشد و همه چیز را در علل و عوامل مادی خلاصه کند دچار سردرگمی و پوچی می‌شود. امام در باروری و شکوفایی عقول مردم در شناخت حقیقت دین و التزام علمی و عملی به آن آثاری دارد که هرکدام جامعه را در مسیر پیشرفت همه جانبه و رسیدن به هدف نهایی یاری می‌رساند.

۵-۱-۲. تقوا

مطابق با آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر تقوای الهی پیشه کنید خداوند برای شما تمییز دهند حق از باطل قرار می‌دهد و گناهان شما را می‌پوشاند و برای شما می‌بخشد و خداوند صاحب فضل عظیم است.» (انفال: ۲۹) از ویژگی امامان متقی، نورانیت و روشن بینی خاصی است که به راحتی حق را از باطل تشخیص می‌دهند و در نتیجه به انتخاب آگاهانه دست می‌یابند. همچنین تقوای آنها سبب آزادی از بردگی شیطان و نجات از هرگونه هلاکت می‌شود و عزت و بی‌نیازی و آرامش انسان را به ارمغان می‌آورد. مقام معظم رهبری باتوجه به اوصاف متقین که در پرتو الگوگیری از امامان معصوم علیهم‌السلام به دست می‌آید و جامعه آرمانی اسلامی را در رسیدن به هدفش (کمال حقیقی) یاری می‌رسان، می‌فرماید: «عزیزان من! اگر می‌خواهیم در مقابل جبهه استکبار ایستادگی کنیم به آن عزت، شرف و اقتداری که جمهوری اسلامی لایق آن است و انقلاب به ما وعده آن را داده، برسیم، احتیاج داریم به اینکه در رفتار شخصی خودمان رعایت‌های لازم را بکنیم. آن تقوا را حفظ کنیم و این نیاز ماست. جوان‌های عزیزمان و جوان‌های دانشجو به مسائل تقوای شخصی، پرهیزکاری شخصی، پاک‌دامنی شخصی اهمیت بدهید. حتماً تلاوت قرآن را روزانه فراموش نکنید. با قرآن ارتباطتان را برقرار کنید. این دعاها مضامین فوق‌العاده‌ای دارد، این دعاها رشته ارتباط شما را با خدای متعال مستحکم می‌کند. این اصل قضیه است.» بنابراین، تقوای افراد برآرمانی ساختن جامعه براساس موازین اسلامی منشأ اثر خواهد بود.

در قرآن کریم، عقل‌گرایی بندگان شایسته‌ای چون امامان معصوم به‌زیبایی به‌تصویر کشیده شده است: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ کسانی که ایستاده و نشسته و بر پهلو خدا را یاد می‌کنند و در خلق آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند [و می‌گویند] پروردگار ما اینها را باطل خلق نکرده‌ای! پاک و منزهی! پس مرا را از عذاب آتش نجات ده» (آل عمران: ۱۹۱). این عقل‌گرایی موجب پرهیز از هواهای نفسانی و وسیله ژرف‌اندیشی در معارف الهی و محبوب‌ترین مخلوق خداوند در انجام تکالیف است (کلینی، ۱۳۶۹، ۱۰/۱). انسان عاقل در جامعه آرمانی اسلامی با کشف ویژگی‌های هر دوره و زمان می‌تواند سازوکارهایی بیندیشد و راه و چاره‌ای بیابد تا بتواند بر دگرگونی‌ها و تحولات آینده فائق آید. این دستوری است که از مکتب امامت برخاسته است. جامعه‌ای که نعمت الهی حضور و حاکمیت امام را دارد عاقلانه پای در رکاب اطاعت و پیروی مشتاقانه از حضرتش می‌نهد و ثمرات برخورداری از سایر نعمت‌های الهی را شاکرانه ارج می‌دهد. هرگاه در جامعه عقل به کمال رسید زمینه برقراری عدل هم فراهم می‌شود.

امامان معصوم که مایه حیات علمی و بسط دانش هستند با دعای «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا؛ بگو پروردگارا علم مرا زیاد کن» (طه: ۱۱۴) هریک از افراد جامعه را در راه رشد و شکوفایی علمی جامعه حرکت داده و موجبات افزایش معرفت و کمال جویی آنها و درنهایت سازندگی جامعه آرمانی اسلامی را فراهم می‌کنند. به‌راستی که علم برای رفاه و توسعه زندگی مادی بشر و درراستای تعالی معنوی او مورد تأیید همگان است و به‌وضوح قابل درک و مشاهده است. چنان‌که توصیه‌های اساسی اسلام در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده علم و دانش محوری، مهمترین سرفصل بوده و این موضوع نشان‌دهنده اهمیت روزافزون علم و فناوری است. علم و دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک جامعه است؛ زیرا روی دیگر دانایی، توانایی است. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «دنیای غرب به‌برکت دانش خود توانست برای خود ثروت و نفوذ

و قدرت فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. مسلمانان با فاکتور از سوءاستفاده از دانش، مؤکداً بایستی به جوشاندن چشمه علم در میان خود اصرار ورزند و راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد درپیش گیرند و دشمنان بدخواه و کینه‌توز اسلام را که از جهاد علمی مسلمانان به شدت بیمناک است ناکام سازند».

۵-۲. تأثیرگذاری شاخص‌های تربیت دینی بر زندگی خانوادگی

آیات سوره هل‌اتی، زندگی خانوادگی سالم و موفق امامان معصوم علیهم‌السلام را به زیبایی به تصویر می‌کشد: «يُوفُونَ بِالَّذِذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا. وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا؛ وفای به نزد می‌کنند و از روزی می‌ترسند که شری فراگیر دارد و از روی محبت مسکین و یتیم و اسیر را اطعام می‌کنند و [می‌گویند] همانا ما برای جلب نظر خداوند اطعام می‌کنیم و خواهان پاداش و تشکر شما نیستیم» (انسان: ۷-۹). احترام، مهر و محبت و ایثار نسبت به یکدیگر از طرفی و هم‌فکر، هم‌درد و همراه بودن با هم از طرف دیگر موجب شده تا هریک از اعضای خانواده سهم عظیمی در پیشبرد اهداف و آرمان‌های اسلامی داشته باشند. بنابراین، امر تأثیرپذیری از زندگی اهل بیت علیهم‌السلام گویای این مطلب است که برای داشتن خانواده سالم و صالح که پایه و اساس جامعه آرمانی اسلامی را تشکیل می‌دهد حقوق و وظایفی تعیین شده که عمل به آن اعضای یک خانواده و حتی جامعه را بر دستیابی به هدف والای الهی نزدیک می‌کند.

ابی‌ولاد حناط گوید: «از امام صادق علیه‌السلام از قول خدای عزوجل "بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا" (اسراء: ۲۳) را پرسیدم که این احسان چیست. فرمود: احسان این است که به خوبی با آنها برخورد کنی و آنها را ناگزیر نسازی که آنچه نیاز دارند از تو بخواهند اگرچه توانگر باشند مگر نه این است که خدای عزوجل می‌فرماید: "لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ" (آل عمران: ۹۲). امام

سجاد علیه السلام درباره حق عموم خاندان چنین فرمود: "حق عموم خاندانت اینکه سایه مهر خود را بر سرشان بگسترانی و با بدکارشان نرمش کنی و الفت و صلاح آنان را بخواهی و از خوش کردارشان به خود تشکر کنی همه را مشمول دعای خود ساز و همه را یاری کن و مقام هر یک را در نظر دار. هر کدام نزد تو آیند با لطف و مهر با آنها برخورد کن و با برادر خود صله و رحم کن". (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۷۱) خانواده به سبک زندگی اسلامی، ازدواج و تشکیل خانواده، نعمت و سر الهی است و هدف ازدواج و نهاد مقدس خانواده کسب آرامش معرفی می‌شود. شکل‌گیری نهاد خانواده و بهره‌مندی فرد و جامعه از برکات این نهاد مقدس از مهمترین ثمرات ازدواج است. تأمین نیازهای اخلاقی و معنوی اعضای خانواده، تأمین نیاز زوج‌طلبی انسان و ارضای غرایز بشری و دلگرمی به تداوم فعالیت‌های زندگی از جمله این فواید است که در نهایت باعث پرورش و رشد افراد در سه بعد روحی، رفتاری و عاطفی می‌شود. اسلام با تأکید بر ازدواج، صمیمیت زوجین و در نتیجه ماندگاری بیشتر خانواده را از فواید این امر مبارک معرفی می‌کند. همچنین تولید نسل، بقای استقلال جامعه به همراه حفظ و انتقال فرهنگ و تمدن نیز از دیگر ثمرات تشکیل خانواده و از فواید اجتماعی ازدواج است که همگی این آثار در ایجاد و تقویت پایه‌های جامعه آرمانی اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد (تقوی پور و صلواتیان، ۱۳۹۴، ص ۱۸).

۵-۳. تأثیرگذاری شاخص‌های تربیت دینی بر زندگی اجتماعی

معصومین علیهم السلام که چراغ راه هدایت هستند، این بعد از ندگی را بسیار مورد توجه قرار داده و همواره به شیوه تعامل خود و شیعیانشان با دیگران دقت نظر داشته و دستورات فراوانی در تحقق جامعه آرمانی اسلامی به پیروان خود ارائه داده‌اند.

۵-۳-۱. رعایت حقوق همسایگان

با نظر به آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا؛ به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید» (آل عمران: ۱۰۳) قرآن و امامان معصوم وسیله اتحاد معرفی شده‌اند و از طرفی، جامعه‌ای که افراد آن با هم متحد و هم‌رنگ باشند جامعه‌ای موفق در رسیدن به اهداف و آرمان‌های

والاست. تعامل درست با همسایگان و رعایت حقوق آنها از مصادیق اتحاد میان افراد جامعه است که در سفارشات امامان معصوم و الگوگیری از آنها، جامعه آرمانی اسلامی را به سوی ایجاد وحدت و همدلی فرامی خواند و موجبات تعالی افراد و آن جامعه را فراهم می کند. امامان معصوم با ایثار، بخشش و رسیدگی به احوال نیازمندان در آیات سوره هل آتی درصدد نشان دادن این اصل هستند که برای ساختن جامعه آرمانی اسلامی این تعاملات ضروری است. متأسفانه در زمان کنونی، پیوند همسایگی در بین مردم، کم رنگ شده است در حالی که موضوع پیوند همسایگی، پیوند عظیم اجتماعی است که اسلام به آن توجه دارد و براساس فطرت انسان هاست، ولی در پیچ و خم تمدن های دور از فطرت انسانی این ارزش ها گم شده است. فرد نمی داند در همسایگی اش چه کسی ساکن است و چگونه زندگی را می گذراند. به نیازهای افراد در هنگام مشکلات چه کسی باید رسیدگی کند. این در حالی است که باید احوال همسایگان را نه فقط از نظر بعد اقتصادی بلکه از همه جهات انسانی رعایت کرد.

۵-۳-۲. مهرورزی و برادری

قرآن کریم در آیات متعدد به موضوع اخوت انسانی اشاره کرده است: «وَإِلَى تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا» (اعراف: ۷۳). برخی آیات مربوط به امامت نیز گویای چنین امور مهمی است. اخوت را می توان هم به معنای عام که همان رفتار مسالمت آمیز با دیگر انسان هاست و هم به معنای خاص که همان اخوت ویژه میان مؤمنان است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ همانا مؤمنان برادر یکدیگرند» (حجرات: ۱۰) معنا کرد. یکی انگاشتن یکدیگر که در جامعه آرمانی مؤمنان حقیقی مورد نظر است. افزون بر آنکه رذائل اخلاقی را ذوب می کند، فضائل را نیز رشد می دهد (نصیری، ۱۳۸۹، ص ۳۵). الگوگیری از تعالیم و رفتار اولیای الهی نیز کیمیایی است که مس وجود افراد را طلای ناب می کند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید و نعمت های الهی را یاد کنید زمانی که دشمن بودید، پس الفت و دوستی بخشید بین شما پس

برادر یکدیگر شدید و شما در درگاه آتش بودید و شما را نجات داد این گونه خداوند نشانه‌هایش را برایتان تبیین می‌کند شاید هدایت شوید» (آل عمران: ۱۰۳). بنابراین، تا ارتباط میان افراد اصلاح نشوند جامعه اصلاح نمی‌شود. تا جامعه، نظام فکری و رهبری الهی نداشته باشد اصلاح نمی‌شود. در جامعه آرمانی درارتباط متقابل با دیگران باید اصولی مانند احسان و بخشش، انفاق و مهربانی، تعاون و همدلی، ایثار و گذشت مورد توجه قرار گیرد تا به مقصود مورد نظر رسید.

۵-۳-۳. امنیت و آرامش

از نشانه‌های جامعه آرمانی و مطلوب، برقراری نظم، امنیت و آرامش در تمام شئون آن است: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ؛ و زمانی که گفت ابراهیم پروردگارا این سرزمین را امن قرار بده و اهلس را از میوه‌ها روزی ده کسانی از ایشان را که ایمان به خدا و روز قیامت دارند» (بقره: ۱۲۶). از نظر مقام عظمای رهبری در هیچ کشوری نه علم می‌تواند پیشرفت کند نه مقامات معنوی و اخلاقی ملت‌ها می‌تواند به آن نقطه مطلوب برسد مگر اینکه دنیا و آخرت را با امنیت بتوان تأمین کرد. گفتنی است که برقراری این امر مهم در گرو تربیت افرادی است که برای برقراری نظم و امنیت، روحیه معنوی و ایثار را در خود تقویت کنند. پیامبر ﷺ یکی از اقدامات حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ برای تحقق جامعه آرمانی را ایجاد امنیت و برپایی قسط و عدل می‌داند: «مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ فریادری است که خداوند او را بفرستد تا به فریاد مردم عالم برسد. در روزگار او همگان به رفاه و آسایش و وفور نعمت دست یابند، آتش فتنه‌ها و آشوب‌ها فرونشینند، رسم ستم و شبیخون و غارتگری برافتد و جنگ‌ها از میان برود» (صدوق، ۱۳۹۵، ۱/۳۵۶).

۵-۳-۴. آزادی

هرگاه مردم از قید اسارت دیگران رها شوند و تن به عبودیت و بندگی خدا دهند و فرمان خالق و مدیر و مدبر هستی را برند، به آزادی حقیقی می‌رسند. پیامبر ﷺ و جانشینان او آمده‌اند تا

غل و زنجیرهای بشر از اسارت و بندگی غیر خدا را بردارند و مختارانه آنها را به عزت بندگی خدا و آزادی سوق دهند: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ کسانی که از این رسول نبی امی تبعیت کنند که [نام و ویژگی های] او را در تورات و انجیل در نزد ایشان مکتوب می یابند، امر به معروف می کنند و از منکر نهی می کنند و امور پاکیزه را حلال و امور پلید را حرام می دانند و سختی و غل هایی که بر روی آنهاست را زمین می گذارند، پس کسانی که ایمان دارند به او او را احترام و باری می کنند و از نوری که با او نازل شده است، تبعیت می کنند ایشان همان رستگاران و پیروزمندانند» (اعراف: ۱۵۷). قانون گذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است و سعادت و کمال انسان تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است و انحطاط و سقوط بشر به دلیل سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان هاست (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳۸۷/۵) که توسط الگوپذیری از امامان معصوم قابل دستیابی است. بنابراین، این آزادی است که استعدادها را شکوفا کرده و فعل: «ما می توانیم» را در ذهن و روح جامعه نهادینه کند و اینجا نقطه شروع حرکت به سمت پیشرفت است. در این صورت، چنین جامعه آرمانی به هدف اصلی خود خواهد رسید.

۵-۳-۵. اتحاد

خداوند با تشریح شرایع و فرستادن انبیای الهی خواست تا زیر ولایت و رهبری آنها دین را به پا دارند و پراکنده نشوند: «سَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛ تشریح نمود برای شما از دین آنچه را نوح توصیه کرد و چیزی را که ما به تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی توصیه کردند اینکه دین را اقامه کنند و اهل تفرقه نباشند» (شوری: ۱۳). براساس مضمون آیه، تشکیل و تداوم جامعه آرمانی اسلامی در همدلی و همبستگی مسلمانان و چنگ زدن به ریسمان الهی و ایمان دینی، مهمترین سلاح جوامع اسلامی است. دشمنان اسلام، اتحاد مسلمانان را هدف

گرفته است. همه مسلمانان به‌ویژه نخبگان، جوانان، دانشجویان و کسانی که حوزه تأثیری فراتر از حول و حوش خودشان دارند باید دریابند که علاج همه مشکلات جوامع، همبستگی و مشارکت عمومی است.

۵-۳-۶. نشاط و شادابی

آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو پاداشی جز دوستی با خویشاوندان در خواست ندارم» (شوری: ۲۳) به رعایت اصل تولی و تبری اشاره دارد؛ یعنی قلب انسان باید فقط در مسیر واحدی که حق است، گام بردارد. گام برداشتن در مسیر حق، افراد را شاداب‌تر و پرنشاط‌تر می‌کند. در نتیجه امید به زندگی و کار و تلاش علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هم بیشتر خواهد شد. تعالیم دینی و ویژگی‌هایی که قرآن از یک جامعه آرمانی برمی‌شمرد حکایت از آن می‌کند که اهتمام به آبادانی سرزمین، یکی از عوامل فراهم آوردن جامعه‌ای آرام، بانشاط و متعالی است. در آیات ۱۵ تا ۱۹ سوره سبأ خداوند یکی از ویژگی‌های جامعه آرمانی را برخورداری از سرسبزی و طراوت برمی‌شمرد. نخستین ویژگی شهر پاکیزه قرآنی براساس این آیات، سرسبزی، خرمی و نشاط‌آور بودن آن است که هرکس از سرانصاف و با فطرت سالم به آن می‌نگریست، یاد عظمت و قدرت خالق یکتا می‌افتاد و بر آفریننده آن، آفرین می‌گفت. برخی جوامع اسلامی در همه مواردی که نیازمند حضور پرشور و حماسی بوده در میدان حاضر بوده‌اند، اما استمرار این روحیه نیازمند تعمیق معارف دینی و فرهنگ‌سازی است؛ زیرا نظام اسلامی، سردار نظامی خوب، مردان علمی جوان و پیرانگیزه، فرهنگ‌سازان پرهت و باغیرت و هنرمند و مردم آماده‌به‌کار در همه عرصه‌ها دارد. بنابراین، با چنین ظرفیت‌هایی به فضل الهی، پیروزی قطعی و نهایی بر جبهه وسیع دشمن متعلق به جوامع اسلامی خواهد بود.

۵-۴. تأثیرگذاری شاخص‌های تربیت دینی بر زندگی فرهنگی

فرهنگ متعالی از نگاه اسلام، نقطه جداکننده حیات انسان و حیوان است و انسان نیازمند تعالیم و فرهنگی است که بتواند همه خواسته‌های علمی و عملی او را پاسخ‌گو باشد. فرهنگ

رشد یافته، جامعه متعالی و انسان‌های باکمالی را می‌سازد و فرهنگ منحط جامعه را به پستی می‌کشاند. تأکید اسلام برای کسب علوم و فنون و تحریض مسلمانان به تحصیل دانش و فرهنگ برای تأمین و تضمین تعالی جامعه انسانی است. تعالیم و وحیانی در طول تاریخ، اساسی‌ترین تأثیر را در شکوفایی و اعتلای فرهنگی جامعه ایفا کرده است؛ زیرا وحی و آنان که با وحی و علم الهی ارتباط داشته‌اند متکی به مبدای بوده‌اند که خود آفریننده انسان و جهان است و قوانین حاکم بر جهان را نیز او وضع کرده است. امام نیز عهده‌دار تزکیه و تأمین علم و دانش جامعه است و مهمترین هدف حکومت اسلامی در بخش فرهنگ به معنای جامع، جهالت‌زدایی و ضلالت‌روبی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶).

۵-۴-۱. جابه‌جایی تعصبات جاهلی با معرفت الهی، تقوا و عمل صالح

«إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ زمانی که کسانی که کافر شدند در قلب‌هایشان حمیت قرار داده شد، (تعصب جاهلی)، پس نازل کرد خداوند سکینه و آرامش را بر پیامبرش و بر مؤمنین و کلمه تقوا را ملازمشان کرد در حالیکه ایشان و اهلشان محق‌تر بودند به آن و خداوند بر هر چیزی داناست». (فتح: ۲۶) مکتب امامت، دنباله‌رو حرکت پیامبر ﷺ و انبیای پیشین این هدف را دنبال می‌کند تا جوامع بشری را به حیات طیبه که هدف اصلی جامعه آرمانی اسلامی است، برسانند. این امر شدنی نیست مگر اینکه عمل صالح، متناسب با ایمان و زمان در نظر گرفته شود. بنابراین، با این قید، انسان برای انجام عمل صالح، همیشه باید به خلأهای زمان خود توجه کند و ببیند چه چیزی در این زمان، مورد نیاز است و به همان عمل کند. به تعبیر بهتر، عمل صالح، عملی است که با انجام آن می‌توان خلأ لحظه‌ها را پر کرد.

۵-۴-۲. سبک زندگی

تعالیم حیات بخش دین اسلام برای همه شئون سبک زندگی دستورات العمل‌های اجرایی دارد. تجلی عینی و عملی دین در سیره پیامبر ﷺ و ائمه ائمه اهل بیت  بروز کرده است. از منظر مقام معظم رهبری، امام معصوم به دلیل ارتباط و حیانی، ویژگی‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی انسان‌ها را به خوبی می‌داند و به همین دلیل بهترین سبک زندگی را پیش پای بشر قرار می‌دهد. قرار دادن امام و رضایت ایشان به صورت محور اصلی زندگی (ر.ک.، هود: ۸۶) و توسل به آنها (ر.ک.، بقره: ۱۵۴؛ آل عمران: ۱۶۹) می‌تواند زمینه تربیت و پرورش انسان‌ها و شرایط مورد نیاز جامعه آرمانی اسلامی را فراهم کند: «بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ؛ ذخیره و نگه داشته شده خداوند برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید و من مراقب شما [در مقابل] گناهانتان نیستم» (هود: ۸۶).

۵-۴-۳. تکریم انسان

انسان، اصل و فرع دارد. فرع او به خاک و اصل او به الله برمی‌گردد. (ص: ۷۱-۷۲) از ظرفی، وجود و عدم کرامت انسان به وجود و عدم تقواست. اگر کسی از دنیا نجات پیدا کرد و نیل به اعتلای روحی و تقوا پیدا کرد، کریم است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ همانا باکرامت‌ترین شما در نزد خداوند با تقواترین شماست» (حجرات: ۱۳). برای رسیدن به این اعتلایی نیازی از تعالیم و حیانی ممکن نیست (بقره: ۱۵۱). اگر انبیاء و ائمه هدی  که کریم‌ترین‌ها هستند، نباشند بسیاری از مسائل ماوراء طبیعت مانند مبدأ، معاد، بهشت و جهنم، برزخ و مانند آن برای بشر حل نمی‌شود. اگر نظام یک حکومت برمبنای اسلام تحکیم شود و درصدد نشر معارف آن و ضامن اجرای حدودش باشد، آن حکومت دارای وصف کرامت است (قمی، ۱۳۶۷، ص ۷۹) و اگر تاروپود حکومت، معرفت صحیح و عمل صالح بود توان آن را دارد که مکتب الهی را گرامی بدارد و اهل آن مکتب را عزیز بشمارد. انسان کریم با تکیه بر آیاتی که در آن امام معصوم تنها از خدا می‌طلبد و تنها از او خائف است، تلاش می‌کند تا چشم طمع به این‌وآن ندوزد و از عزت و وقارش نگاهد، بلکه

برای کسب هر نعمتی چشم به سوی خداوند تعالی بدوزد و هیچ واسطه‌ای بین خود و خدا قرار ندهد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ و نباشید همانند کسانی که خداوند را فراموش کردند و فراموشی داد ایشان را نسبت به خودشان [لذا] آنها خودشان فاسق هستند» (حشر: ۱۹). بنابراین، جامعه‌ای که دل از خدا ببرد کرامت خود را ازدست خواهد داد. ایمان عمیق هر جامعه اسلامی به مبانی اسلام به طور طبیعی مردم سالاری را برپایه تفکرات دینی استوار کرده که بهترین شکل مردم سالاری هم همین است. در چارچوب ارزش‌های اسلامی و دینی است که می‌توان به طور مطلق از مردم سالاری حمایت کرد.

۵-۵. تأثیرگذاری شاخص‌های تربیت دینی بر زندگی اقتصادی

تبعیت و همراهی مردم با رهبر جامعه، شرط اساسی پیشرفت اقتصادی است. نقش ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام در طول دوران، همواره بر رشد و تعالی اقتصادی بوده است. پس تلاش اقتصادی در چارچوب نظریه امامت، عامل مهمی برای تحقق جامعه آرمانی خواهد بود: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ مؤمنان نشسته از جنگ که ضرر نداده‌اند، مساوی نیستند با مجاهدینی که در راه خدا با مال‌ها و جان‌هایشان جهاد می‌کنند. خداوند برتری داده است جهادگندگان با اموال و جان‌ها را بر نشستگان به وسیله درجه و کلا وعده نیک گرفته‌اند و برتری داده است خداوند مجاهدین را بر غیر آنها با پاداش بزرگ» (نساء: ۹۵).

از نظر اسلام جامعه آرمانی اسلامی، جامعه‌ای است آباد که بندگان خدا در آن حیات تازه‌ای می‌یابند. رهبر انقلاب اسلامی، مدیریت صحیح بر صنایع، هدایت و نظارت بر تولیدات داخلی مورد نیاز و ضروری جامعه، جلوگیری از هدر رفتن منابع، نظارت بر نحوه سرمایه‌گذاری‌ها و بازخورد گرفتن از نتایج آنها از مصادیق عمران و آبادی است.

سعادت جامعه اسلامی زمانی است که کار و تلاش و کوشش برای افراد آن به یک فرهنگ تبدیل شده و با زهد و قناعت از نعمت‌های پروردگار به خوبی استفاده کنند: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِئِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ؛ حقیقتاً برای سبأ در خانه‌هایشان نشانه بود دو باغ از راست و چپ [گفته می‌شد] بخورید از روزی پروردگارتان و شکر برای او به جا آورید سرزمین پاک و پروردگار بخشنده» (سبأ: ۱۵). بنابراین، برای تشکیل جامعه آرمانی-اسلامی باید کار و تلاش و اعتلای اقتصادی موجب بی‌نیازی و عزت جامعه می‌شود که این عزت‌مداری موجب سربلندی و اقتدار سیاسی نیز می‌شود. خداوند همواره عزت مؤمنین را خواسته است و شرف آنها را در عبودیت پروردگار و عزتشان را در بی‌نیازی از مردم قرار داده است.

۶. نتیجه‌گیری

گرایش به شکل‌گیری جامعه آرمانی، برگرفته از فطرت و عقل و طبیعت انسان مقتضای آن است. دین اسلام مبنای جامعه آرمانی اسلامی را معرفت الهی و پذیرش ولایت الهی می‌داند و مسیر نجات و حیات بشر را بر آن استوار کرده است. بعثت پیامبر ﷺ و ولایت امامان معصوم علیهم‌السلام مقدمه‌ساز توحید و معرفت الهی است. بدین منظور با مراجعه به آیات مرتبط با امامت، می‌توان شاخص‌های تربیتی به‌دست آورد که هرکدام از آنها برای ایجاد جامعه آرمانی-اسلامی سرنخ‌هایی به‌دست می‌دهد. به عبارتی الگوگیری امت از امام در دو محور امامت و هدایت در ساختن جامعه آرمانی-اسلامی نقش اساسی ایفا می‌کند. هنگامی که مردم با درنظر گرفتن این آیات به تشکیل چنین جامعه‌ای احساس نیاز کردند و خود با تمام وجود برای زمینه‌سازی و ظهور آن تلاش کردند شایستگی دستیابی به آن را پیدا می‌کنند، البته باید درنظر داشت که این تأثیرپذیری و تأثیرگذاری از بعد اندیشه و نظر عبور کند و وارد بعد انگیزه و عمل شود. تنها در این صورت است که می‌توان امید داشت آرزوی دیرینه اصلاح جهانی، صورتی عینی و واقعی به خود گیرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. قم: اسلامی.
 ۲. ابن مشهدی، محمد (۱۴۱۹). المزار الكبير. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳. آرشیو موضوعی بیانات مقام معظم رهبری. مشاهده شده در <https://farsi.khamenei.ir>
 ۴. تقوی پور، محمدرضا، و صلواتیان، سیاوش (۱۳۹۴). الگوی خانواده تراز اسلامی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی. نشریه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۸(۱)، ۳۸-۵.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). ولایت فقیه و ولایت فقاقت و عدالت. قم: اسراء.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). هدایت در قرآن. قم: اسراء.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). ادب فنای مقربان. قم: اسراء.
 ۸. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ ساله. تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
 ۹. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۶). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
 ۱۰. سیدرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). نهج البلاغه. مترجم: دشتی، محمد (۱۳۷۹). تهران: مشهور.
 ۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا علیه السلام. مترجم: غفاری، علی اکبر. تهران: صدوق.
 ۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۸۰). علل الشرایع. مترجم: ذهنی تهرانی، محمد جواد. قم: انتشارات مؤمنین.
 ۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمه. مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: اسلامیه.
 ۱۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر. قم: انتشارات اسلامی.
 ۱۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳). دلائل الامامه. قم: بعثت.
 ۱۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير. قم: دارالهجره.
 ۱۷. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۰). مفاتیح الجنان. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم: دارالکتاب.
 ۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). کافی. مترجم: مصطفوی. تهران: کتابخانه اسلامیه.
 ۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
 ۲۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶). صحیفه امام. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
 ۲۲. نصیری، علی (۱۳۸۹). امام حسین پیشوای روشنائی ها. قم: مؤسسه معرف وحی و خرد.